



مشوروم ازمنشورهای دهگانه

نیکی به پدر و مادر

... وبالوالدین احسانا
به پدر و مادر نیکی کن!

تفسیر قرآن مجید

خدمات پدر و مادر کارهای مادر، از بزرگترین خدماتی است که فردی در باره فردی می تواند انجام دهد، و همین انسان در نخستین از مراحل زندگی در گرو جان نشانی های این دوره می است از این جهت به معکم و جان باید به آنان مهرورزیید، و احترام آنان را در تمام مراحل زندگی محفوظ داشت. مهرورزی که امروز در جامعهای مغربی میان والدین و فرزندان حکم فرماست از هر جهت قابل ستایش و برانگیزنده اعجاب ملت مغرب زمین است.

خاموشی شعله های عواطف در غرب

امروز در اروپا و آمریکا کانون های گرم و و به انحلال، گذارده و زندگی بصورت زندگی ماشینی درآمده است فرزندان پس از بلوغ قانونی، مطابق تقاضای محیط، سبب خود را از پدر و مادر جدا کرده و به همانند این که فرزندان شان افراد خود ساخته شوند و به سخی های زندگی تن دهند آنان را از کانون زندگی طرد می کنند. ولی نارسایی این منطقی بسیار روشن است. زیرا بالا بردن رشد فکری و آماده ساختن آنان برای تحمل سختی ها متوقف بر طرد آنان از کانون گرم زندگی نیست تا رشته عواطف از هم گسسته شود و محیط گرم خانوادگی از بین برود.

امروز به خاطر خاموشی گشتن شعله های عواطف در غرب، پایه خوشاولدی در اروپا

از فرزندان تجاوز نمی کند و سایر بستگان از عضو و عائله و . . . فرودقیق بیگانگان قرار گرفته اند.

برخی از مادران هوس باز، پدران عیاش، عملاً اساس عواطف را متزلزل ساخته و با فرستادن فرزندان به شیرخوارگاه، خود را از قید پرورش اولاد رها کرده اند و در نتیجه محیط گرم و پر نشاط خانوادگی را به یک محیط سرد دور از مهر و محبت مبدل کرده اند.

دانشمندان می گویند: شیر خوارگاه اگر چه می تواند تربیت جسمانی فرزندان را به عهده بگیرد ولی رشته عواطف را که از دامنهای بر مهر و آغوشهای گرم پدران و مادران سرچشمه می گیرد، می سوزاند و میوه چنین محیط (شیرخوارگاه) غالباً به عیبهای گشتن، بی رحم و جانی می باشد، و از این رهگذر پرورشواری های اجتماع حیالنی افزوده می شود.

یکی از پزشکان مودره اعتماد، که حالاتی در انگلستان و آمریکا بود می گفت:

یکی از مظاهر رفتن بار در غرب، خانه پسران است.

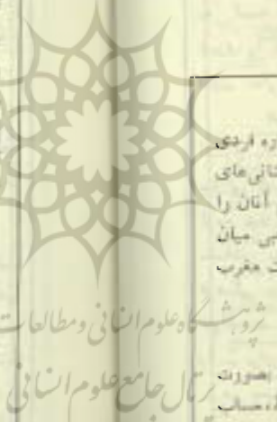
نگارنده برای اولین بار بود که این لفظ را می شنید، از این جهت قدری از توضیح خواست وی گفت: در غرب بر اثر کم فروغ گشتن شعله های عواطف، فرزندان پس از بلوغ قانونی محیط خانواده را ترک گفته و به فرزندگی جدا از پدر و مادر می نشینند، و کم چنین برنامه، آن چنان محیط خانوادگی را سرد و منجمد کرده است که چه بسا سالی می گذرد که پدران و مادران روی فرزندان خود را نمی بینند و هر چه از دوران جدایی آنان بگذرد، بر بی علاقه آنان نسبت به والدین افزوده می شود. بالانشی موفقی که پدر و مادر، پایه سعادت و رفاه و ثروتی بکارند در این موقع آن چنان بیچاره می شوند که دولتت با چاره می شود که این گروه را در لطف و با تقاطی به نام خانه پسران جای دهد و افرادی را برای سرپرستی آنها بکارند.

برای این گروه زندگی آنچنان تلخ است که هر روز مرگ غمید را روز شکاری می کنند.

عقل مهم خاموشی و بی کلمه فروغی عواطف، دو چیز است.

۱- ضعف مانی دینی و معتقدات مقدسی که خود عامل مهمی در احیاء عواطف و تکریم پدران و مادران است، عاملی که ضامن اجراء آن بندها ابراهام کبرجای جاودان ابرویست.

۲- طرد فرزندان از محیط گرم خانواده و پسریت آنان به شیرخوارگاهها و کودکستانها و ایتسونها که رشته عواطف را می سوزاند و از رشد و سلوان، جلوگیری می کند و بیك چنین کارمندی، جز کسب آزادی بیشتر در زندگی ندارد ولی با کمال آسف باید یادآور شد که این نوع طرد تفکر، کم و بیش به جوامع شرقی نیز راه یافته و گروهی کورکورانه، بدون در نظر گرفتن عواقب وخیم این کار بدون توجه به هشدارهای روانشناسان، از همان دوران کودکی، تربیت فرزندان خود را به عهده این و آن می گذارند و با از بین کوچکی برای فرا گرفتن زبان و ژست فرنگی به خارج اعزام می دارند.



این گروه از پسر و مادر باید بدانند که اگر فرزندان آنان نازده در این راه موفقیتی به دست آورند برای آنان فرزندان خوبی نخواهند بود، و خود آنان به سر نوشت افاضانه پیران مبتلا خواهند شد.

مرحوم آیت الله پروچندی در دوران زعامت خود مسجدی عظیم در هامبورگ برنگار دریاچه دانستره ساخت که هم اکنون مورد بهره برداری کلیه مسلمانان آن منطقه است. مرحوم آقای محقق نمابنده روحانیت شیعه در آلمان سرگشتت در آلودی رانل می کرد که گوئی خاصیت زندگی ماشین همین است که انسان را از پستان ماشین بر زمین غافل می باشد، مهر و موت در لایه های پیرشهای عظیم ماشین له و متلاشی گردد و انسان به هم میزند با عینک سوزجونی تنگد.

وی می گفت در دوران اقامت، باید پرسود آلمانی آشنا شدم وی پس از رفتن و آمدنهای متوالی و آشنائی به میثاق اسلام، گرایش عمیقی به آئین اسلام پیدا کرد و سرانجام به اسلام مشرف شد. ویس از معدنی، روزی از یکی از بیمارستان های آلمان بمن ندان کرد و درخواست ملاقات نمود من به عیادت او رفتم او را در حالتی دیدم که اشک در دیده گان او حلقه زده بود و از دست همسر خود می نالید و می گفت امروز همسرم به دیدن من آمد و وقتی آگاه شد که بیماری من خطرناک است و امیدی به بهبودی من نیست با من جدا حلقی کرد و مرا برای همیشه ترک گفت من او را در بیمارستان دایم و بیمارستان را ترک گفتم.

هنگام خروج به دفتر بیمارستان بروم که این بیمارستان است اگر حادثه ای رخ داد، مرکز ما مطلع سازند پس از معاینه از بیمارستان نقل کردند که پروفسور درگذشت و جنازه او در اختیار ما است من با گروهی از دوستان به بیمارستان رفتم و جنازه را تحویل گرفتم و پس از مراسم دفن، موانع خروج از بیمارستان با جوانی رویوشدم که خواهان جنازه می بود من می گفتم که او بانای من است پس فریاد او کشید: وی مردی مسلمان بود، مراسم دینی او مربوط به ما است ارتباط به کلیسا ندارد وی با کمال پروونی گفت من با جنازه بدرجایز این کاری ندارم که قفسه او را بدیگی از مراکز تشریح قلب در برابر ۵۰۰ مارک فروخته ام و پس از تحویل قلبه، جنازه را در اختیار شما خواهم گذارد هر کجا می خواهید دفن کنید !!

من از شنیدن این سخن سخته، ناراحت شدم و به اصطلاح خشکم زد که با همه عواطف نا این حد است و لرزان می گردید که فرزند، به خاطر مبلغ سیوانا چیزی، جنازه پدر را برای تشریح می فروشد، شما این تساوت و سنگالی را در کنار دستوری که امام صادق (ع) بدیگی از پدران خود به نام «ار ابراهیم بن شعبه» می دهد بگشاید پس قضاوت کنید.

وی به امام گت دایم بهمانی بیروناتوان است که برای قضای حاجت او را بدوش می گیرم امام فرمود: اگر می توانی خودت این کار را انجام ده و غذا را لقمه لقمه در دهان او بگذار و این کار برای توستری در برابر آتش خواهد بود. (۱)

را از نظر اصول سیاسی و شرائط محیط و مصالح جامعه اسلامی و همچنین مصالح شخصی امام (علیه السلام) نظر از مصالح عمومی مورد بررسی قرار دهیم .

آیا گذشته بر این که نسبت فرمانداران نامتعالیه پیشین، بر خلاف مصالح اسلام و توده‌ها بوده آیا از نظر اصول سیاسی و تدبیر امور و منطقی مصلحت در ابقاء و تثبیت آنان بود، و آیا این که راه تلوی و سیاست در این جا یکی بود و اگر خیر امام (ع) نیز بر مصلحت خلافت می‌نشست، راه و چاره‌های جزعزل فرمانداران سابق نداشت اگر بی از عثمان معاویه برای خلافت برگزیده می‌شد چاره‌ای جز، بر کنار کردن فرمانداران پیشین نداشت .

مشروح این قسمت حساس را در شماره آینده می‌خوانید

۱- کتاب تاریخ ج ۸ ص ۶۹ - شرح حدیثی ج ۷ ص ۳۷

(۳) بیت ابورافع از خاندان‌های بزرگ اصیل شعیبی است که از روز نخست به مخالفان رسالت مشق می‌روزیند و خود ابورافع از یاران پیامبر، و از علماستند امام علی بود.

(۴) خبری ج ۵ ص ۱۶۱ (۵) تاریخ طبری ج ۵ ص ۱۶۰

بقیه: تفسیر قرآن مجید...

زنگ خطر

خبر درج در روزنامه‌های رنگ‌های خطر را به صدای آوردند و می‌گویند... بهت عمرخون جگر خوردم تا بچه‌هایم را زنگ کرده از خوف و استخوانم برای آنها می‌گذاشتم تا لباس عروسی و دامادی نشان کرده بکنم دیگر کسی زکمت نمی‌کشم ولی السوس ... می‌گویند بیرشده‌های غیر از دزد برای ما چیزی نداریم مگر که سند نداشته‌ایم، آخر عمر چو ترا بکشیم (۲) البته نمی‌توان گفت که تمام افراد این چنین هستند ولی این نوع گزارش‌ها برای مریان و استادان امور فقهی و فقه‌دانان و علمای زنگ‌های خطورا به صدای آورد.

سیمای والدین در قرآن

سیمای والدین در قرآن بسیار به گونه‌های ملکوتی ترسیم گردیده و با بیانات گوناگون به مقام عظیم و موقعیت خطیر آنان تصریح شده است .
بیانات قرآن را در فرازهای زیر می‌توان خلاصه کرد:

۱- قرآن در شش آیه دستور می‌دهد که به والدین نیکی کنیم و این مطلب با تعبیر «والوالدین احسانا» در سوره‌های بقره آیه ۸۳، نساء آیه ۳۶، انعام/ ۱۵۱، سوره/ ۲۲ و با تعبیر «و احسانا للانسان» بوالدیه حسنا (و یا) احسانا در سوره‌های عنکبوت آیه ۸، انفصاف/ ۱۵ وارد شده است.

ادامه دارد

(۲) کیهان ۶۶/۷/۲۸